

بررسی و معرفی کتاب

عتبة الکتبة

O علی رضائیان

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد داراب

کتاب
عتبة الکتبة
مجموعه مراسلات دیوان سلطان سنجر

مؤیدالدوله نجیب‌الدین بدیع‌الآبک جوینی

بتصحیح و اتمام

علاءضیفة

محمد قزوینی

و عباس اقبال

اول مرداد ۱۳۲۹ شمسی

شرکت سهامی چاپ

O عتبه الکتبه

O تألیف: منتجب‌الدین جوینی

O تصحیح: محمد قزوینی و عباس اقبال

O ناشر: شرکت سهامی چاپ، تهران، ۱۳۲۹.

از جمله مهم‌ترین منابع عصر سلجوقی و خوارزمشاهی که نقش بسزایی در شناخت سلسله‌های یاد شده ایفاء می‌نمایند، مجموعه منشآت باقیمانده از این دوران است. از عهد مورد بحث هفت مجموعه منشآت ارزشمند تاکنون به دست ما رسیده است که عبارتند از:

- ۱- انکب‌الافکار فی الرسائل و الاشعار: شامل چهل نامه و قصیده از رشیدالدین و طواط، رئیس دیوان رسائل خوارزمشاهیان.
- ۲- عرائس الخواطر و نفائس النواذر: شامل پنجاه نامه از رشیدالدین و طواط به زبان‌های فارسی و عربی.
- ۳- عمده‌البغا و عده‌الفضح: شامل سی نامه از رشیدالدین و طواط به زبان‌های فارسی و عربی.
- ۴- منشآت رشیدالدین و طواط: مجموعه‌ای از مکتوبات رشیدالدین و طواط که اگرچه برخی نامه‌های آن در سایر کتب منشآت فوق‌الذکر تکرار گردیده‌اند، اما نامه‌هایی نیز در این مجموعه وجود دارد که مختص همین کتاب بوده و در سایر کتب درج نگردیده‌اند.
- ۵- التوسل الی الترسل: مجموعه نامه‌هایی از بهاء‌الدین محمدبن مؤید بغدادی رئیس دیوان رسائل سلطان علاءالدوله تکش خوارزمشاه.
- ۶- مجموعه منشآت لنینگراد: مجموعاً حاوی صد و چهل‌ونه نامه به تفکیک زیر: هفتاد و هشت نامه از رشیدالدین و طواط هفده نامه از منتجب‌الدین جوینی، هفت نامه از سایر نویسندگان و چهل و هفت نامه از نویسندگان ناشناس. اگرچه تعدادی از نامه‌های موجود در این مجموعه نیز در سایر کتب منشآت یاد شده تکرار گردیده‌اند اما حدود هشتاد و هشت نامه

این مجموعه اصیل بوده و در جای دیگر دیده نشده‌اند.

۷- عتبه‌الکتبه: که در این مقاله به بحث و بررسی پیرامون

آن خواهیم پرداخت.^۱

نویسنده کتاب عتبه‌الکتبه علی بن احمد کاتب جوینی ملقب به منتجب‌الدین می‌باشد. خاندان منتجب‌الدین را می‌توان به عنوان تداوم نمونه‌ای از خاندان‌های دیوانی در تاریخ میانه ایران معرفی نمود. یکی از اجداد منتجب‌الدین دبیر شمس‌المعالی قایوس بن وشمگیر زیاری (۳۶۷-۴۰۲ هـ. ق.) بود.^۲ خود وی نیز سالها ریاست دیوان رسایل سلطان سنجر را به عهده داشت. به علاوه منتجب‌الدین خال جد شمس‌الدین و عظاملک جوینی، دیوانسالاران معروف عصر مغول می‌باشد.^۳

گرچه منتجب‌الدین سال‌ها در دیوان سلطان سنجر و در بالاترین مراتب دیوانی مشغول به خدمت بود اما در کتب تاریخی عصر سلجوقی نامی از وی به میان نیامده است. تنها واقعه تاریخی که در آن ذکری از منتجب‌الدین شده قضیه شفاعت وی را از رشیدالدین و طواط می‌باشد که در تاریخ جهانگشای جوینی ذکر گردیده است.^۴

بنا به نوشته جوینی هنگامی که سلطان سنجر در جنگ با آتسز خوارزمشاه (۵۵۱-۵۶۱ هـ. ق.) هزار اسب را در محاصره داشت انوری شاعر دربار سنجر شعری نوشته و به هزار اسب انداخت:

ای شاه همه ملک زمین حسب تراست

وز دولت و اقبال جهان کسب تراست

امروز به یک حمله هزار اسب بگیر

فردا خوارزم و صد هزار اسب تراست

رشیدالدین و طواط که در این زمان در هزار اسب و در خدمت آتسز بود جوابی بر شعر انوری نوشته به سمت سپاه سلجوقی فرستاد:

گر خصم تو ای شاه شود رستم گرد

یک خر ز هزار اسب نتواند برد

این شعر رشیدالدین و طواط به علاوه شعر دیگری که در مخالفت با سلاجقه سروده بود باعث شد تا سلطان سنجر قسم یاد کند که در صورت دستیابی به رشیدالدین هفت عضو او را از یکدیگر جدا کند در این زمان و طواط برای نجات یافتن از انتقام سلطان به منتجب‌الدین پناه می‌آورد. منتجب‌الدین نیز موفق می‌شود حکم عفو وی را از سلطان سنجر بگیرد.^۵

عوفی در کتاب لب‌الآبک در بحث پیرامون وزراء و صورتی که شعر نیز می‌گفته‌اند صفحاتی را به منتجب‌الدین اختصاص داده و نمونه‌ای از اشعار وی را ذکر کرده است. به گفته عوفی منتجب‌الدین علاوه بر کتاب عتبه‌الکتبه کتابی نیز به نام رقبه‌القلم داشته است. عوفی مدعی است که در شهر نیشابور موفق به خواندن این کتاب گردیده و از کتاب مذکور حکایتی نیز پیرامون سال‌های جوانی منتجب‌الدین آورده است. براساس این حکایت همزمان با شروع کار منتجب‌الدین در امور دیوانی فردی که منتجب‌الدین در خدمت وی به امور دیوانی اشتغال داشته سبک کتابت منتجب‌الدین را نپسندیده و او را مورد آزار قرار می‌داده است. در یکی از موارد که مخنوم منتجب‌الدین به شدت از نگارش وی ایراد گرفته و حتی مکتوب نگارش یافته توسط او را پاره می‌کند منتجب‌الدین با دانتنگی به حرم امام موسی رضا (ع) رفته از وی استمداد می‌طلبد. اینجاست که الطاف غیبی شامل حال منتجب‌الدین گردیده، از این پس روش نامه‌نگاری وی مورد قبول فضلا و بزرگان قرار می‌گیرد و منارج ترقی را طی می‌نماید تا آنجا که به ریاست دیوان رسائل سلطان سنجر منصوب می‌گردد.^۶

آنچه ذکر شد معلوم اطلاعاتی بود که پیرامون نگارنده کتاب عتبه‌الکتابه در منابع دست اول وجود دارد. علاوه بر این تنها منبع دیگری که می‌توان در آن از منتجب‌الدین جوینی اطلاعاتی کسب کرد مقدمه کتاب عتبه‌الکتابه و برخی نامه‌های موجود در این کتاب است. بر اساس این مقدمه منتجب‌الدین در سال ۵۱۶ ه. ق. به خدمت شرف‌الدین ظهیر بیهقی^۷ می‌رسد. شرف‌الدین در این زمان کندهای [وزیر] عزالدین اثر^۸، از فرماندهان برجسته سپاه سلجوقی، بود. وی منتجب‌الدین را به ریاست دیوان انشاء خود می‌گمارد. پس از مدتی منتجب‌الدین به تدریج مسیر ترقی را طی کرده به دیوان سلطان سنجر راه می‌یابد. در سال ۵۲۴ ه. ق. و به هنگام فتح سمرقند توسط سنجر منتجب‌الدین فتح نامهای می‌نویسد تا به بغداد فرستاده شود. این فتح نامه مورد توجه نصیرالدین محمود بن ابی‌توبه^۹ وزیر سلطان سنجر قرار گرفته و منجر به تشویق منتجب‌الدین از جانب وی می‌گردد.^{۱۰}

کتاب عتبه‌الکتابه مجموعه‌ای است از منشورهای حکومتی و نامه‌های نوشته شده توسط منتجب‌الدین جوینی. جمله‌های دعائیه‌ای همچون «خلدالله ملکه» و «علاء الله» که پس از نام سلطان سنجر (متوفی ۵۵۲ ه. ق.) در مقدمه کتاب ذکر گردیده، بیانگر حیات سنجر در هنگام تنوین مقدمه و بالطبع نگارش مقدمه قبل از سال ۵۵۲ ه. ق. می‌باشد. به گفته منتجب‌الدین در مقدمه عتبه‌الکتابه وی کتاب را به فرمان «ناصرالدین صدرالاسلام و المسلمین ملک الوزرائی از جهت خدانورزاده قوام‌الدین نظام الاسلام...» ترتیب داده است.^{۱۱} بررسی القاب یاد شده شکی باقی نمی‌گذارد که منتجب‌الدین عتبه‌الکتابه را به فرمان ناصرالدین ابوالفتح نظام الملک طاهر بن فخر الملک بن نظام الملک^{۱۲} - که از سال ۵۲۸ ه. ق. تا سال وفاتش ۵۴۸ ه. ق. وزارت سلطان سنجر را به عهده داشته - و برای فرزند وی نظام الملک ابوعلی قوام‌الدین حسن^{۱۳} جمع‌آوری نموده است.

بدین ترتیب کار نگارش مقدمه و جمع‌آوری مکتوبات کتاب باید بین سال‌های ۵۲۸ ه. ق. الی ۵۴۸ ه. ق. یعنی سال‌هایی که ناصرالدین وزارت سلطان سنجر را به عهده داشته صورت پذیرفته باشد. اما همانگونه که مرحوم قزوینی خاطر نشان کرده است در عتبه‌الکتابه مکتوباتی وجود دارد که به وقایع پس از سال ۴۴۸ ه. ق. اشاره دارند. برای مثال در یکی از مکتوبات صریحاً به مرگ سلطان سنجر (۵۵۲ ه. ق.) اشاره گردیده است.^{۱۴} در همین مکتوب و مکتوبی دیگر از کتاب به سلطنت رکن‌الدین محمود بن محمد خوارزمشاه سلطان سنجر و جانشین او اشاره گردیده و اشعاری نیز در مدح وی آورده شده است.^{۱۵} الهی دولت محمود سلطان

چه آن شاه جهانست او که گویند

الهی عاقبت محمود گردان^{۱۶}

و در شعری دیگر آمده است:
میش با گرگ همنشین گردد

آسمان حاسد زمین گردد

عدل مقفود را کند موجود

رای سلطان دادگر محمود^{۱۷}

مطالب و اشعار یاد شده سال نگارش برخی از نامه‌های مندرج در عتبه‌الکتابه را از سال ۴۴۸ ه. ق. سال وفات ناصرالدین و سال ۵۵۲ ه. ق. سال وفات سلطان سنجر فراتر برده و به عهد سلطنت محمود بن محمد بین سال‌های ۵۵۲ ه. ق. الی ۵۵۷ ه. ق. می‌رساند.

به طور کلی مکتوبات موجود در کتاب عتبه‌الکتابه به دو بخش عمده تقسیم می‌گردد:

۱- سلطانیات:^{۱۸} شامل بیش از سی منشور حکومتی و یا نامه‌هایی که غالباً از دیوان سلطان سنجر صادر گردیده است. این منشورها مشاغل مختلفی را از تدریس در مدارس نظامیه تا خطابه قضاوت ریاست اوقاف، نقابت سادات و... را شامل می‌گردد. آنگونه که مشخص است تمامی منشورهای یاد شده در این بخش در ایام حیات سلطان سنجر صادر گردیده است. ۲- اخوانیات: که شامل نامه‌های خصوصی منتجب‌الدین است آنگونه که از مندرجات این بخش برمی‌آید منتجب‌الدین در اواخر عمر یا پس از مرگ سلطان سنجر امور دیوانی را ترک کرده، به زادگاه خود جوین رفته و در آنجا ساکن گردیده است. نویسنده این بخش (اخوانیات) دیوانسالار بازنشسته‌ای است که دیگر علاقه‌ای به حضور در امور دیوانی نداشته و به همین دلیل نیز همواره برای عدم حضور خود در دیوان دلایلی چون مادر پیر، سرپرستی فرزندان، پیری و بیماری را بهانه نموده است. اما آشنایی که منتجب‌الدین به دلیل سال‌ها حضور طولانی در دیوان سلجوقیان با بزرگان و کار بدستان مملکتی داشته باعث گردیده تا گهگاه و بنا به ضرورت، نامه‌هایی از جوین برای آنان ارسال دارد. بخش اخوانیات عتبه‌الکتابه شامل نامه‌های مذکور می‌باشد. نامه‌های این بخش موضوعات متنوعی را در برمی‌گیرد. طی این نامه‌ها منتجب‌الدین گاه برای منطقه یا فردی طلب معافیت مالی نموده^{۱۹} و گاه به تعریف و یا تأیید شاعری پرداخته و از بزرگان خواسته تا به اکرام و احترام او بپردازند.^{۲۰} در نامه‌های مرگ بزرگی را تسلیت گفته^{۲۱} و در نامه‌ای دیگر عید را تبریک گفته.^{۲۲} در نامه‌ای به تعریف از حاکم منطقه پرداخته^{۲۳} و در نامه‌های دیگر به گرفتن مالیات‌های اضافی توسط مأمورین دولتی اعتراض نموده است.^{۲۴}

با توجه به مباحثی که تاکنون مطرح شد می‌توان حدس زد که کتاب عتبه‌الکتابه در ابتدا تنها منحصر به بخش اول کتاب حاضر (سلطانیات) بوده و کلیه مکتوبات موجود در این بخش قبل از وفات سلطان سنجر نگاشته و جمع‌آوری گردیده است. مقدمه موجود در کتاب نیز برای همین بخش به رشته تحریر درآمده است. سال جمع‌آوری و ترتیب این بخش و نگارش مقدمه بی‌شک قبل از سال ۴۴۸ ه. ق. می‌باشد. اما بخش دوم کتاب (اخوانیات) سالها بعد، یعنی زمانی که منتجب‌الدین امور دیوانی را ترک گفته و در روستای جوین ساکن شده است به بخش اول ضمیمه گردیده است. برای تأیید این گفتار می‌توان به نامه‌های موجود در این بخش از کتاب که خطاب به دیوان مؤید آی‌ابه صادر شده و به اعتقاد نگارنده این مقاله تعداد زیادی از نامه‌های این بخش را نیز شامل می‌گردد، اشاره کرد.

مؤیدآی‌ابه از سرداران سلطان سنجر سلجوقی بود که پس از مرگ وی از قدرتمندترین فرماندهان سلجوقی حاضر در خراسان محسوب می‌گردید. وی در سال ۵۵۶ ه. ق. موفق شد شهر نیشابور را فتح کند. در این زمان رکن‌الدوله محمود خوارزمشاه و جانشین سنجر تحت حمایت غزها به نیشابور حمله و آنجا را محاصره نمود. لیکن محاصره به جایی نرسید و محمود از دست غزان به مؤید آی‌ابه پناهنده شد. اما مؤید وی را زندانی و در ۵۵۷ ه. ق. کور و به نام خود و خلیفه عباسی المستنجد بالله خطبه خواند.^{۲۵} گرچه در کتاب عتبه‌الکتابه نامی از مؤید آی‌ابه برده نشده است اما در یکی از نامه‌های بخش اخوانیات این کتاب به نام «پادشاه عادل ملک الملوک و الامرا خسرو مشرق» اشاره گردیده است. برای اثبات این ادعا که خسرو مشرق یاد

شده در عتبه‌الکتابه همان مؤید آی‌ابه می‌باشد دلایل محکمی وجود دارد که اولین آن مندرجات کتاب تاریخ بیهقی نوشته ابن فندق می‌باشد. ابن فندق کتاب خود را در سال ۴۶۳ ه. ق. و به نام مؤید آی‌ابه به رشته تحریر در آورده است. در این کتاب از مؤید آی‌ابه با عناوین زیر یاد شده است «مؤیدالدوله والدین خسرو خراسان ملک المشرق آی‌ابه».^{۲۶} همچنین در بخش اخوانیات کتاب عتبه‌الکتابه نامه‌ای است خطاب به فردی به نام ضیاءالملک که بر اساس مندرجات این نامه وی وزارت خسرو مشرق را به عهده داشته است.^{۲۷} بی‌شک ضیاءالملک فوق‌الذکر کسی نیست جز ضیاءالملک محمد بن ابوطالب سعد بن ابوقاسم محمود رازی که وزارت مؤید آی‌ابه را به عهده داشته و در سال ۴۶۰ ه. ق. توسط وی از کار برکنار گردیده است.^{۲۸} با توجه به دلایل ارائه شده شکی باقی نمی‌ماند که خسرو مشرق یاد شده در عتبه‌الکتابه همان مؤید آی‌ابه می‌باشد.

بی‌تردید مؤید آی‌ابه تنها پس از مرگ سلطان سنجر سلجوقی (۵۵۲ ه. ق.) و قتل جانشین او محمود (۵۵۷ ه. ق.) و خطبه خواندن به نام خود و خلیفه عباسی است که توانسته عنوان پادشاه و خسرو مشرق را اختیار نماید. به همین دلیل نیز به نظر می‌رسد تاریخ نگارش، حداقل برخی از نامه‌های موجود در بخش اخوانیات عتبه‌الکتابه از سال ۵۵۷ ه. ق. نیز فراتر می‌رود. علاوه بر این، وجود دو نامه در این بخش که خطاب به فردی به نام نصیرالدین نگاشته شده این احتمال را که تاریخ نگارش برخی از نامه‌های این بخش از سال ۵۶۰ ه. ق. نیز فراتر رود را موجب گردیده است. زیرا منظور از نصیرالدین فوق‌الذکر احتمالاً همان نصیرالدین ابوبکر محمد بن ابونصر محمد مستوفی است که بنا به گفته ابن اثیر در سال ۵۶۰ ه. ق. و پس از عزل ضیاءالملک به وزارت مؤید آی‌ابه انتخاب گردیده است.^{۲۹}

گرچه تنها برخی از نامه‌های موجود در بخش اخوانیات عتبه‌الکتابه را می‌توان ردیابی نموده و دقیقاً مشخص کرد که خطاب به چه کسی نگاشته شده است اما با توجه به قدرت و نفوذ مؤید آی‌ابه در منطقه خراسان و در جوین محل سکونت منتجب‌الدین در این زمان، می‌توان حدس زد که تعداد بیشتری از نامه‌های موجود در بخش اخوانیات خطاب به دیوانیان مؤید آی‌ابه به رشته تحریر درآمده باشد.

در پایان این مقاله باید خاطر نشان کرد که کتاب عتبه‌الکتابه یکی از مهم‌ترین و سودمندترین منابع و مأخذ تاریخی عصر سلجوقی محسوب می‌گردد. دویخش متفاوت این کتاب هر کدام به طریقی محقق را در شناخت تاریخ سلجوقیان راهنمایی می‌کند.

بخش اول (سلطانیات) بیشتر از این نظر که به معرفی محدوده اختیارات، مسئولیتها و وظایف شاغلین مناصب مختلف مملکتی همچون قضات، محتسبین، رؤسای شهرها، اقطاع‌داران و... پرداخته، دارای ارزش و اهمیت می‌باشد. اما بخش دوم کتاب (اخوانیات) به لحاظ انعکاس وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی خراسان پس از مرگ سلطان سنجر و در هنگام تاخت و تاز غزها در خراسان و قدرت‌گیری سرداران مختلف در این منطقه حائز ارزش و اهمیت می‌باشد. نویسنده در این بخش گرچه شغل دیوانی را در اختیار نداشته اما به خوبی اوضاع عمومی خراسان این عهد را در نامه‌های خود منعکس نموده است.

فهرست منشورها و نامه‌های موجود در بخش سلطانیات کتاب عتبه‌الکتبه

شماره منشور	عنوان منشور	مخاطب	توضیحات	صص
۱	تقلید تدریس مدرسه نظام نیشابور	خواجه محیی‌الدین محمدبن یحیی	محیی‌الدین از فقهای برجسته نیشابور بود که به هنگام فتنه غز فتنوی به وجوب محاربه با آنها داد به همین دلیل وقتی غزان نیشابور را گرفتند او را کشتند. خاقانی مرثی برای او سروده که مشهور است. در ضمن شعری هم علی بن ابراهیم کاتب پس از مرگ وی سروده که در تاریخ ابن اثیر درج گردیده است. (۳۰)	۶-۹
۲	تقلید قضاء نیشابور	عمادالدین محمدبن احمدبن صاعد	تعداد دیگری از افراد این خاندان نیز شغل قضاوت را در مناطق مختلف خراسان در دست داشته‌اند. (۳۱)	۹-۱۳
۳	تقلید آیات و ولایت مازندران	اینانج بکلا	نامه توسط فردی از خاندان سلجوقی صادر گردیده وی آیات مازندران را از سلطان سنجر دریافت نموده و از طرف خود اینانج بکلا را به حکومت این منطقه فرستاده است.	۱۳-۱۶
۴	تقلید عمل جرجان و نومی آن	غیاث‌الدین والدنیا مسعود [برادرزاده سنجر]	در این منشور از فردی به نام محمد یول‌آبه صحبت شده که قبل از این ولایت جرجان را در اختیار داشته پس از مرگ وی منشور حکومت به پسرش حسن داده می‌شود اما به دلیل بی‌کفایتی او سنجر به جرجان حمله می‌کند او را برکنار و جرجان را به مسعود می‌دهد.	۱۶-۲۱
۵	تقلید ریاست مازندران	تاج‌الدین ابوالکارم احمدبن العباس	در این منشور از گمشدگان طغرل خواسته شده تا به تاج‌الدین احترام گذارند. این نکته نیازنگر نفوذ طغرل بن محمدبن ملکشاه (متوفی ۵۲۹ ه.ق.) در منطقه مازندران و همچنین نوشته شدن نامه قبل از سال ۵۲۹ سال وفات طغرل می‌باشد.	۲۱-۲۶
۶	مثال هم در معنی ریاست مازندران	تاج‌الدین ابوالکارم احمدبن العباس		۲۶-۳۰
۷	تقلید ولایت گرگان	عضدالدین عمادالاسلام	احتمالاً این منشور از دیوان سنجر صادر نگردیده است زیرا براساس مندرجات آن فردی که منشور به دستور او نگاشته شده می‌گوید: «وضع گرگان مدتی منهل گردیده بود تا اینکه به فرمان اعلی خدایگانی اعظمی شاهنشاه اعلی‌الله [سلطان سنجر] حکومت گرگان به دیوان من حوالت گردید.» وی نیز عضدالدین عمادالاسلام را به حکومت گرگان منصوب کرده است.	۳۰-۳۲
۸	تفویض قضاء نوقان و دیه‌های طوس	عمدالدین ابوسعید محمدبن اسماعیل		۳۳-۳۳
۹	تفویض تدریس چند مدرسه در بلخ	ظهورالدین	در این منشور سنجر از عمادالدین و فرزند او علاءالدین می‌خواهد که از ظهورالدین حمایت کنند. امیر عمادالدین قماچ از فرماندهان معروف سلطان سنجر بوده و از جانب وی حکومت بلخ را داشته است. وی و پسرش در هنگام حمله غزان به خراسان در نبرد با آنان کشته شدند. (۳۲)	۳۳-۳۷

فهرست منشورها و نامه‌های موجود در بخش سلطانیات کتاب عتبه‌الکتابه

صفحه	توضیحات	مخاطب	عنوان منشور	شماره منشور
۳۷-۳۸	در تاریخ ابن اثیر آمده است که در سال ۵۳۶ ه.ق. زمانی که خوارزمشاه آتسز سرخس را تصرف کرد اما ابو محمد یادی به دیدار او شناخته خوارزمشاه نیز وی را گرامی می‌دارد. (۳۳) بی‌شک امام ابو محمد یادی نام برده شده در تاریخ ابن اثیر همان کسی است که منشور خطابت سرخس بزرگ وی صادر گردیده است.	ضیاءالدین ابومحمد فضل‌بن ابراهیم یادی	تقلید خطابت سرخس	۱۰
۳۸-۴۰	ابوبکر فرزند عمادالدین حاکم بنخ از جانب سنجر می‌باشد. در این نامه سنجر سعی دارد از عمادالدین که بنا به دلایلی رنجیده خاطر گردیده است دلجویی نماید.	ابوبکر بن عمادالدین	تقلید ایالت ولایت	۱۱
۴۰-۴۲		نجم‌الدین	تفویض ریاست سرخس	۱۲
۴۲-۴۵	این منشور نیز - مانند منشور شماره ۷ - از دیوان سلطان سنجر صادر نگردیده است زیرا فرمی که نامه به فرمان وی نگاشته شده مدعی است که ایالت ری بنا به وصیت سلطان محمد به او رسیده و سلطان سنجر و مسعود نیز این موضوع را تأیید کرده‌اند و حال او بر اساس این منشور فرمی را از جانب خود به نیابت این شهر گذاشته است.	ابوالفتح یوسف بن خوارزمشاه	نیابت ایالت شهر ری	۱۳
۴۵-۴۶		قاضی امام مجاهدین محمد	تفویض قضاء گلیاگان	۱۴
۴۶-۴۸		زین‌الدین ابوالعلاء صاعد بن حسین مستوفی	تقلید نیابت دیوان استیقا به مرو	۱۵
۴۸-۵۰	بر اساس این منشور دو شغل نیابت وزارت و دیوان طغرا به ضیاءالدوله واگذار گردیده است.	ضیاءالدوله	تفویض نیابت وزارت دیوان طغرا	۱۶
۵۰-۵۲		قاضی القضاة ضیاءالدین	تقلید قضاء و خطابت استرآباد	۱۷
۵۲-۵۳	بر اساس این منشور نیابت عزیزالدین التیرالاسلام که متولی اوقاف گرگان بوده است، به ضیاءالدین واگذار می‌گردد.	ضیاءالدین	تولیت نیابت دیوان اوقاف گرگان	۱۸
۵۳-۵۵	به احتمال زیاد منشور شماره ۱۹ و منشور شماره ۱۸ در زمانی نزدیک به هم صادر گردیده و بر اساس آن عزیزالدین به تولیت اوقاف گرگان و ضیاءالدین به نیابت او منصوب گردیده است.	عزیزالدین التیرالاسلام	تفویض تولیت اوقاف [گرگان]	۱۹
۵۵-۵۶	در این منشور از شرف‌الدین خواسته شده نیابت ریاست و استیقا بسطام را به امین رشیدالدین بدهد.	شرف‌الدین	تفویض ریاست بسطام	۲۰
۵۷-۵۸	احتمالاً این فرد همان امام برهان‌الدین ابوسعید محمد بن فخرالدین عبدالعزیز کوفی قاضی و شیخ الاسلام نیشابور می‌باشد که در سال ۵۸۷ به قتل رسید. (۳۴) مر لیاب‌الایاب نیز توضیحاتی پیرامون وی داده شده است. (۳۵)	امام برهان‌الدین	تقلید قضاة نیشابور	۲۱

فهرست منشورها و نامه‌های موجود در بخش سلطانیات کتاب عتبة الکتبه

صص	توضیحات	مخاطب	عنوان منشور	شماره منشور
۵۸-۵۹	براساس این منشور قضاوت در میان لشکریان به مجدالدین واگذار گردیده و از وی خواسته می‌شود تا براساس احکام مذهب حنفی به قضاوت پردازد.	مجدالدین	تفویض قضاء حکم و لشکر حضرت	۲۲
۶۰		ناصرالدین	تفویض عمل	۲۳
۶۰-۶۲	بنا به مندرجات این منشور منطقه جوین تحت نظارت یکی از زنان خاندان سلجوقی بوده. وی سیفالدین بر نقش را به عنوان شهنه به جوین اعزام نموده و این منشور تأیید برای اوست که از جانب سنجر برای سیفالدین صادر گردیده است. بر نقش یکی از سرداران سلطان سنجر بوده که در اواخر عمر وی از بزرگان دولت سلجوقی محسوب می‌گردیده است. (۳۶)	سیفالدین بر نقش	تفویض شهنگی [جوین]	۲۴
۶۲-۶۳	بنا به مندرجات این نامه فردی از دیوان سنجر به نام معین‌الدین به خدمت قرأتیان رفته و «صدر توران» گردیده است. گویا معین‌الدین از سنجر تقاضای نماید اجاز دهد فرزندش که در حضور سلطان بوده پندار ورود. سنجر نیز طی این نامه موافقت خود را اعلام نموده و فرزند معین‌الدین را به همراه هدایایی اعزام می‌دارد.	معین‌الدین	استمالت	۲۵
۶۳-۶۴	براساس این منشور تقابیت سادات گرگان، دهستان، و استرآباد به جمال‌الدین داده شده است. فرد یاد شده احتمالاً همان جمال‌الدین است که در کتاب النقض از وی به عنوان یکی از سادات مورد احترام چرچان یاد گردیده است. (۳۷)	جمال‌الدین ابوالحسن علوی	منشور تقبیت نقابیت سادات	۲۶
۶۴-۶۶		جلال‌الدین	تقلید قضاء طوس	۲۷
۶۶-۶۷	در این منشور و چند منشور بعدی کتاب شمار گذاری با اشتباهاتی همراه گردیده است. جهت هماهنگی با کتاب همان شماره مندرج در کتاب در ابتدا ذکر گردیده است و در زیر آن شماره درست منشور ذکر گردیده است.	معین‌الدین	منشور تقلید عمل مرو به نیابت دیوان	۲۷ [۲۸]
۶۷-۶۹	ایالت گرگان به این منطقه اعزام می‌دارد.	منتجب‌الدین علی بن احمد کاتب [نگارنده کتاب]	نوعی دیگر	۲۸ [۲۹]

فهرست منشورها و نامه‌های موجود در بخش سلطانیات کتاب عتبه‌الکتبه

صحن	توضیحات	مخاطب	عنوان منشور	شماره منشور
۶۹-۷۴	این منشور زمانی نگاشته شده که سنجر از خوارزم به خراسان مراجعت نموده است. سنجر سه بار در سال‌های ۵۳۳ ه.ق.، ۵۳۸ ه.ق.، ۵۴۲ ه.ق. به خوارزم حمله نموده است. و منشور فوق باید پس از یکی از این حملات به رشته تحریر درآمده باشد.	اینانج قتلغ بکلا	منشور ایالت ری بر سبیل نایب حضرت	۲۹ [۳۰]
۷۴-۸۰	در این منشور از «اسفیسالار شهید قماج» نام برده شده است. به احتمال زیاد منشور بلافاصله بعد از کشته شدن عمادالدین قماج و پسرش عمادالدین ابوبکر (۵۴۸ ه.ق.) در نبرد با غزها نگاشته شده است و طی آن سنجر کلیه اموال، غلامان، سربازان و اقطاع‌های عمادالدین را به همراه حکومت و شجنگی بلخ به منصور نوه عمادالدین داده است.	منصورین علاءالدوله ابوبکر	منشور ایالت و شجنگی بلخ	۳۰ [۳۱]
۸۰-۸۲	از منشورهای موجود در کتاب عتبه‌الکتبه سه منشور شماره ۲، ۳، ۴، ۹، ۳۱ به نام اینانج بکا می‌باشد.	اینانج بکلا الخ جانداریک	منشور تفویض شجنگی ترکمانان	[۳۲] ۳۱
۸۲-۸۳		ابوحدالدین	در معنی احتساب مازندران	[۳۳] ۳۳
۸۴		سراج‌الدین	منشور اقطاع مازندران	[۳۴] ۳۳
۸۴-۸۵		جمال‌الدین	در معنی شجنگی ترکمانان	[۳۵] ۳۴
۸۵-۸۸	ابوسعید سمانی متوفی به سال ۵۶۲ ه.ق. مؤلف کتاب معروف الانساب می‌باشد. در این منشور علاوه بر ریاست شافعیان خطابت در مسجد جامع و تدریس در مدرسه نظامیه به ابوسعید و آثار گردیده است. این مکتوب و دو مکتوب بعد از آن منشورهای حکومتی نیستند بلکه نامه‌های صادر شده از جانب سلطان سنجر می‌باشد.	ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور السمانی	منشور ریاست اصحاب امام شافعی رضوان‌الله علیه	۳۴ [۳۶]
۸۸-۸۹	این نامه در اواخر سال ۵۴۵ ه.ق. و تر سرخس نگاشته شده است و طی آن سلطان سنجر خبر عزیمت خود از عراق به خراسان را اعلام می‌دارد.		مکتوب آخر	۳۴ [۳۷]
۸۹-۹۱	نامه در ربیع الاول سال ۵۴۵ نگاشته و در آن از ابوبکر علاءالدین جهت سرکوشی دشمنان قدراتی گردیده و به او خبر می‌دهد که دو تن از سرداران یعنی امیر اسفیسالار و تاج‌الدین ملک نیم روز شاه غازی به سمت منطقه او [بلخ] می‌روند. احتمالاً این نامه مقارن با حملات غزها به خراسان نگاشته شده و حضور سرداران فوق نیز در جهت مقابله با این حملات بوده است.	[ابوبکر] علاءالدین	مکتوب آخر	۳۵ [۳۸]
۹۱-۹۲	در این نامه خبر رسیدن قاضی معین‌الدین ابوالعلاء محمد بن محمود، که از جانب علاءالدین به نزد سنجر اعزام شده بود، اعلام گردیده است.	[ابوبکر] علاءالدین	مکتوب آخر	۳۶ [۳۹]